

## بررسی تطبیقی شیوه رفتاری پیامبر ﷺ و حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در مواجهه با مخالفان

صدیقه رحیمی ثابت<sup>۱</sup>

تاریخ پذیرش: ۹۹/۵/۲۵

تاریخ دریافت: ۹۹/۴/۱۸

### چکیده

بررسی سیره پیامبر ﷺ در مواجهه با مخالفان و سپس تطبیق آن با نحوه عملکرد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از اهمیت زیادی برخوردار است؛ چراکه این امر کمک می‌کند که به جمع‌بندی درستی از روایات متعدد موجود در زمینه چگونگی برخورد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با مخالفان رسید و از آن به عنوان الگوی رفتاری مناسب در این راستا در دوره غیبت بهره برد. پیامبر ﷺ مظهر رحمت پروردگار بود؛ از طرفی حافظ بنیان دین در برابر معاندان بود و از طرف دیگر برای حفظ اسلام نوپا با منافقان و مشرکان راه سازش را در پیش می‌گرفت. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف همانند جدش رحمت برای عالمیان است و از طرف دیگر ملزم به تشکیل حکومت عدل جهانی است و به عنوان آخرین امید بشر، برای رسیدن به این مهم از هیچ امری فروگذار نمی‌کند؛ از این رو پس از آن‌که با شفقت و دلیل متقن جهانیان را دعوت به جبهه حق کرده و اتمام حجت می‌نماید، نه تنها با معاندان از هر دینی به مبارزه می‌پردازد، بر خلاف جدشان با منافقان راه سازش در پیش نگرفته و آنها را نیز از بین خواهد برد تا بتواند حکومتی سرشار از عدل تشکیل دهد.

واژگان کلیدی: پیامبر ﷺ، مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، سیره، رحمت، صلح، سازش، قیام.

۱. دانشجوی دکتری رشته کلام امامیه دانشگاه قرآن و حدیث قم، ایران (sisirs212@gmail.com).

## مقدمه

در اسلام صلح و همزیستی مسالمت آمیز مسئله ای ریشه دار است. اما باید به این نکته توجه داشت که گروهی از انسان ها راه سرکشی و ظلم و تعدی به دیگران را بر می‌گزینند و به فساد و تباهی می‌پردازند، از این رو یک دین کامل نمی‌تواند نسبت به چنین وضعی دستورالعمل مناسب و کارآمد نداشته باشد و در صدد رفع ظلم از ستم‌دیدگان بر نیاید. این جا است که گفته می‌شود اسلام در برابر دشمنان و کفر اندیشان، صلح مشروط را پیشنهاد می‌کند. در دین اسلام روحیه جنگ و ستیزه‌جویی و کشورگشایی نفی و در مقابل آن مسئله جهاد، به عنوان اقدامی دفاعی، انسان دوستانه و در راستای گسترش صلح و امنیت جهانی، در پرتو حاکمیت الهی و نفی حاکمیت طاغوت‌ها تجویز شده است. در این دین، حضرت محمد خاتم صلوات الله علیه نیز به عنوان پیامبر رحمت معرفی شده است، وی اصل اولیه برخورد خویش با تمام مخالفان را، بردباری و ملایمت قرار داده بود. برقراری صلح و انعقاد پیمان نامه‌های بسیار بین پیامبر اعظم صلوات الله علیه و مخالفان آن حضرت و توصیه‌های مداراتی نسبت به اسیران، فراریان از نبرد و زنان و کودکان دلیل تمایل شدید ایشان به مدارا و همزیستی مسالمت آمیز است؛ اما این اصل هرگز باعث نمی‌گردد که آن حضرت در برابر دشمنان کینه‌توز و توطئه‌گر، در هر شرایطی طبق همین اصل رفتار نماید؛ بلکه در صورت کشف توطئه دشمن، پیمان شکنی، تجاوز آنها به مقرر حکومت اسلامی و تهدید کیان اسلام، پیامبر صلوات الله علیه نیز با قاطعیت و سختگیری تمام با آنان مواجه می‌شدند. اهل بیت علیهم السلام نیز سنت ایشان را به عنوان اصل الگوی رفتاری خویش قرار داده و بسته به شرایط موجود، مناسب‌ترین شیوه رفتاری را در مواجهه با مخالفان، معاندان و دگراندیشان داشتند. اما مسئله قابل بیان در این راستا این است که حضرت مهدی علیه السلام به عنوان آخرین امام و به عنوان منجی بشریت و برقرارکننده صلح جهانی چه روشی اتخاذ خواهند کرد. با توجه به این که ایشان در صدد ایجاد حکومتی الهی و یکپارچه و سرشار از صلح و آرامش همگانی در جهان هستند، چه شیوه رفتاری را در مواجهه با معاندان، مخالفان و منافقان اتخاذ خواهند کرد تا بتوانند به این مهم نائل شوند، آیا ایشان نیز همان سنت جد بزرگوار خویش را در پیش خواهند گرفت یا با توجه به شرایط سختی که در آخرالزمان برای ایجاد حکومت یکپارچه الهی در پیش رو دارند، شیوه‌ای دیگری را در مواجهه با مخالفان و دگراندیشان اتخاذ خواهد نمود؟ در این نوشتار ابتدا به طور اجمال شیوه پیامبر صلوات الله علیه در مواجهه

با مخالفان بیان شده و سپس به بیان چگونگی عملکرد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه نیز در مواجهه با مخالفان پرداخته شده و نظریات مختلف پیرامون این مسئله مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

### شیوه رفتاری پیامبر ﷺ در مواجهه با مخالفان

#### پیامبر اسلام ﷺ، پیامبر رحمت

خداوند متعال در سوره احزاب پیامبر ﷺ را به عنوان اسوه حسنه معرفی کرده و همگان را به تأسی از ایشان فرا خوانده است. اهل بیت علیهم السلام از جمله حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه نمونه‌های بارزی هستند که به این الگوی کامل تاسی کردند. جلوه‌ای از آن تاسی، پیروی از صفت مهربانی و رأفت پیامبر عظیم الشان است که طبق روایات متعدد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه نیز همانند جدشان برخوردار از این صفت و رحمت برای عالمیان معرفی شدند که در بخش پایانی مقاله بیشتر به این مطلب پرداخته خواهد شد.

خداوند متعال، رسول گرامی اسلام را رحمتی فراگیر و عام معرفی کرده که رحمت او شامل همه انسان‌ها؛ اعم از مسلمان و غیرمسلمان می‌شود. آیات و روایات در این زمینه فراوان است؛ از باب نمونه از برخی از آنها یاد می‌شود:

﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ﴾

ما تو را جز رحمتی برای جهانیان نفرستادیم (انبیاء: ۱۰۷).

طبق این آیه پیامبر ﷺ رحمتی بود که به مقتضای رسالتش به سوی همه جوامع بشری فرستاده شده بود؛ چرا که ایشان دینی آورده بود که با پذیرش آن، سعادت اهل دنیا و آخرت تأمین و تضمین شده است و آثار حسنه آن در جوامع بشری گذشته مشهود بود. هر آنچه از رحمت نبوی که در دنیا و آخرت نصیب افراد می‌شود، پرتوی از رحمت الهی است. همه احکام و دستوراتی که پیامبر اسلام آورده برای جامعه بشری رحمت است، خداوند، «رب العالمین» و رسولش «رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ» است، یعنی تربیت واقعی در سایه هدایت انبیاء امکان پذیر است.

پیامبر اسلام ﷺ برای همه انسان‌ها حتی ملانکه مقرب الاهی، در همه اعصار و تمامی مکان‌ها رحمت است و با تحقق رسالت او، نیازی به پیامبر دیگری نیست. یک انسان هم‌چون پیامبر ﷺ با اراده الهی می‌تواند به مقامی برسد که در تمام هستی اثر بگذارد (طباطبائی،

۱۳۷۴: ج ۱۴، ۴۶۷؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۱۳، ۵۲۷؛ قرائتی، ۱۳۸۳: ج ۵، ۵۰۵).

پیامبر ﷺ در حدیثی خود را مظهر تام رحمت و محبت الهی شناسانده، می‌فرماید:

إِنِّي لَمْ أَبْعَثْ لَعَانًا، وَإِنَّمَا بُعِثْتُ رَحْمَةً؛

من لعنت‌گر مبعوث نشدم، بلکه برای رحمت مبعوث شده‌ام (متقی هندی، ۱۴۱۹: ح ۸۱۷۶).

طبق این روایت نیز هدف اصلی از بعثت پیامبر ﷺ، رحمت بیان شده است که به مقتضای دین کاملی است که ایشان آوردند و مبلغ آن بود.

### مخالفتان پیامبر ﷺ و عملکرد حضرت در مواجهه با ایشان

در یک تقسیم‌بندی کلی، می‌توان مخالفتان پیامبر ﷺ را به سه دسته تقسیم نمود: (سلیمیان، ۱۳۸۹: ج ۳، ۹۹-۱۰۰؛ نوعی، ۱۳۷۹: ۹۸).

۱. کسانی که منکر خداوند بودند؛ همانند بت پرستان، کفار و مشرکان که با تکذیب و استهزاء با آن حضرت مخالفت می‌نمودند. در قرآن اشاره شده است که مهم‌ترین تلاش کافران، زدودن دین از زندگی انسان‌ها و به گمان خود خاموش کردن نور الهی است (توبه: ۳۲).

۲. منافقان: در آیات فراوانی از نفاق و منافقان به عنوان دشمنی خطرناک یاد شده و ویژگی‌های آنان، کفر ورزیدن در پوشش ایمان، فریب‌کاری و نیرنگ، افساد در پوشش اصلاح، چند چهرگی، سفاهت و نادانی، طغیانگری و سرکشی و... دانسته شده است (بقره: ۸-۱۳).

۳. اهل کتاب (یهودیان و مسیحیان): مهم‌ترین اصول حاکم بر رفتار پیامبر ﷺ در برخورد با مخالفان و دیگران ایشان را می‌توان به دو دسته کلی تقسیم کرد:

#### ۱. راهکارهای مدارائی

اصل اولیه رفتار پیامبر ﷺ این بود که با مخالفان همواره مدارا می‌کرد و با ملایمت آنها را به دین حق دعوت می‌نمود. این اصل و رفتار پیامبر ﷺ با مخالفان، طبق فرمان خداوند بود که می‌فرماید:

وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا؛

اگر مخالفان تمایل به صلح نشان دادند، تو نیز تمایل نشان بده (انفال: ۶۱).

#### الف) مدارا با توجه به اصل مصلحت

اسلام روی این اصل تأکید فراوان ورزیده و پیامبر ﷺ همواره در زندگی پربرتک خود به آن عمل کرده، آن را منش و روش خود قرار می‌دادند و با مدارا و گذشت شناخته می‌شدند. پیامبر اکرم ﷺ به خاطر گذشت و مدارایش، از جانب خداوند با عنوان «وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ» (قلم:

۴) خطاب شده و بسیاری از دشمنان و معاندان از گذشت و مدارای ایشان به حقانیت نبوت ایشان پی برده و اعتراف می‌کردند.

پیامبر ﷺ در مقابل بت پرستان، کفار و مشرکان قریش و حتی منافقان چاره‌ای جز مدارا نداشت؛ زیرا در ابتدای راه بود و می‌بایست با مدارا و به آرامی آنها را به سمت دین اسلام بکشاند. در برخورد با اهل کتاب و پس از تشکیل حکومت اسلامی در مدینه نیز، تا آن‌جا که ممکن بود با گفت‌وگو و با عهد و پیمان سعی در زندگی مسالمت‌آمیز در کنار آنها داشت (ابن هشام، ۱۴۱۲: ج ۲، ۱۹۸).

#### ب) مدارا با توجه به اصل «مصالحه» و «همزیستی مسالمت‌آمیز»

به طور کلی اصل همزیستی مسالمت‌آمیز از جمله اصولی بود که در سیاست خارجی پیامبر نقش مهم داشتند، آیاتی از جمله آیه ۲۰۸ از سوره بقره بیان می‌دارد که هدف غایی و نهایی اسلام دستیابی به صلح است:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَافَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ﴾

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، همگان به اطاعت درآیید و پای به جای پای شیطان مگذارید که او دشمن آشکار شماست (بقره: ۲۰۸).

این چیزی است که در سیره پیامبر ﷺ هم کاملاً مشهود بود؛ زیرا پیامبر ﷺ جنگ را به عنوان آخرین راه چاره می‌دید (خدوری، ۱۳۸۹: ۳۷۲).

از مطالعه روایات و احادیث نیز چنین بر می‌آید که صلح و ایجاد رابطه محبت‌آمیز، مودت و دوستی با غیرمسلمانان در سیره پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم‌السلام بوده است. و در واقع بررسی این روایات چگونگی و حد و مرز صلح مدنظر اسلام را آشکار می‌کند. اسلام به این نکته توجه می‌کند که با ایجاد جو آرام و مودت‌آمیز می‌توان با مخالفان عقیدتی خود به گفت‌وگو و جدال احسن پرداخت. پیامبر اسلام ﷺ، پیوسته به رعایت عدالت، انصاف، ادای حقوق و پرهیز از آزار و اذیت پیروان مذاهب دیگر توصیه می‌کرد (ابن هشام، ۱۴۱۲: ج ۱، ۳۵۱).

پیامبر اکرم ﷺ بارها یارانش را به پاسخگویی به نیکوترین شکل و نیکی به بدرفتاران فرا می‌خواند و از آنان می‌خواست در برابر کسانی که خوبی را با بدی پاسخ می‌دهند طبق این آیه رفتار کنند:

﴿وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ \* وَمَا يُلْقَاهَا إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَمَا يُلْقَاهَا إِلَّا ذُو حَظٍّ عَظِيمٍ﴾  
 هرگز نیکی و بدی یکسان نیست، بدی را با نیکی دفع کن، تا دشمنان سرسخت هم چون دوستان گرم و صمیمی شوند (فصلت: ۳۴-۳۵).

### ج) مدارا با توجه به اصل «عفو» و «طلب مغفرت برای دشمنان»

پیامبر اسلام ﷺ به عنوان پیام آور وحی الهی و رهبر و مقتدای خلق عالم، افزون بر بیان، در عمل نیز مظهر رحمانیت و رحیمیت و اهل مدارا بوده اند. وقتی پیامبر ﷺ در مکه برای دعوت مردم به خداپرستی ظهور کرد، با عکس العمل شدیدی مواجه گشت و قریب از هیچ گونه آزار و شکنجه و افتراءات و اهانت دریغ نورزیدند و او را فردی کذاب، ساحر، مجنون و... معرفی می کردند و وقتی این اعمال سخیف را به اوج می رساندند، پیامبر ﷺ به محضر ربوبی این چنین عرضه می داشت:

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِقَوْمِي فَإِنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ؛

بار الها قوم مرا مورد رحمت و مغفرت خویش قرارده، زیرا اینان حقیقت را نمی دانند (سیدبن طاووس، ۱۴۱۴: ج ۱، ۲۱۲؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۲، ۲۰؛ حلی، ۱۳۶۹: ۱۸۶؛ قاضی عیاض، ۱۴۰۷: ج ۱، ۱۳۷-۱۳۸).

انعطاف و مصلحت در اسلام یک اصل است، پیامبر ﷺ نیز این موضوع را در نظر داشت. هر جا که مصلحت اسلام ایجاب می کرد از خود انعطاف نشان می داد. انعطاف پیامبر ﷺ خود تاکتیکی بود در جهت رسیدن به مقصود غایی خود. پیامبر ﷺ می کوشید برای حفظ اسلام و تأثیر دعوت از عطوفت و مهربانی و مسالمت و انعطاف مایه بگیرد؛ اما این انعطاف هیچ وقت موجب نمی گردید تا اصول خود را زیر پا بگذارد.

### ۲. راهکارهای مقابله ای (تدافعی)

پیامبر ﷺ در هنگام رویارویی با مشرکان، ابتدا آنان را در انتخاب یکی از سه امر مختار می گذاشت؛ پذیرش اسلام، بستن پیمان مبنی بر عدم تجاوز و یا تن دادن به جنگ. سپس زمانی که ایشان می دید دشمنان خود، عناد ورزیده و راه سازش را انتخاب نمی کنند، مصلحت را در مبارزه با آنها می دید و در واقع این دشمنان معاند بودند که جنگ را برمی گزیدند (ابوزهره، ۱۳۷۵: ۳۰۶). بنابراین باید به این نکته مهم توجه داشت که اصل مدارا و صلح و محبت پیامبر ﷺ هرگز باعث نمی گردید که آن حضرت در برابر دشمنان کینه توز و توطئه گر و معاند نیز

با همین آیین نامه و در هر شرایطی طبق همین اصل رفتار نماید؛ بلکه در صورت تجاوز دشمن، کشف توطئه آنها، پیمان شکنی و کارهایی از این قبیل از طرف مخالفان، پیامبر ﷺ نیز با آنان برخورد می نمود. براساس بیان علامه طباطبائی در تفسیر المیزان نیز در واقع مقتضای «رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ» بودن پیامبر ﷺ این نیست که مصلحت دین را نادیده گرفته و در برابر ظلم های ظالمان و لو به هر درجه و پایه که برسد سکوت کند و برای این که نسبت به ظالمین نعمت نباشد، صالحین را بدبخت نموده و نظام دین و دنیا را مختل سازد، هم چنان که خود خدای تعالی فرموده:

﴿وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ﴾

رحمت من تمامی موجودات را فرا گرفته (اعراف: ۱۵۶).

و در عین حال این سعه رحمتش مانع از حلول غضبش نشده، به شهادت این که خودش در کلام خود بیان کرده که در امت های گذشته چگونه غضب کرده و ایشان را از روی زمین برانداخته است (طباطبائی، ۱۳۷۴: ج ۹، ۱۴۳).

#### الف) سختگیری در برابر کفار معاند

براساس فرموده قرآن کریم، پیامبر ﷺ و اصحاب گرامی وی بر کفار معاند سختگیر بودند.

﴿مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ﴾

محمد فرستاده خداست؛ و کسانی که با او هستند در برابر کفار سرسخت و شدید، و در میان خود مهربانند (فتح: ۲۹).

و خداوند نیز پیامبر ﷺ را ملزم می کرد که هرگاه از توطئه دشمن و نداشتن حسن نیت او آگاه شد و بیم خیانت داشت، فوراً با اعلام قبلی، پیمان را لغو کند:

﴿وَإِمَّا خِفَتْنَا مِن قَوْمٍ فَأَبَتْهُ فَإِنَّا نَبُذُ الْبَرِّ عَلَيْهِمْ عَلَىٰ سَوَاءٍ﴾

و اگر از گروهی بیم خیانت داشتی [مانند خودشان] پیمانشان را به سویشان بینداز [تا طرفین بدانند که] به طور یکسان پیمان شکسته اند (انفال: ۵۸).

#### ب) مبارزه در راستای حفظ کيان اسلام

در واقع رویارویی لشکر اسلام با کفر و مشرکان به منظور دعوت آنان به اسلام صورت می گرفت نه برای کشورگشایی و قدرت نمایی، هدف پیامبر ﷺ هیچ گاه گسترش قلمرو و حکومت و مستعمره خود نبود؛ بلکه انگیزه آن حضرت تنها ترویج و تبلیغ دین و فراگیر شدن

اسلام در سراسر جهان بود. قرآن بارها هدف در راه خدا بودن جهاد را تأکید می‌کند، از جمله:

وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ؛

و در راه خدا، بپیکار کنید! و بدانید خداوند، شنوا و داناست (بقره: ۲۴۴).

از همین رو رسول خدا ﷺ در هنگام اعزام سپاهیان خود به مناطق مختلف، آنان را به خویشنداری و درنگ قبل از وارد شدن به صحنه نبرد فرمان می‌داد و از مؤمنان می‌خواست در آرزوی جنگ نباشند. ایشان حتی زمانی که مجبور به جنگ می‌شد، در صحنه‌های نبرد نیز از رعایت اخلاق کریمه فاصله نمی‌گرفت و بزرگ‌ترین اسوه و آموزگار عملی اخلاق بود.

نمونه‌های سیره و عملکرد نیکو و منعطف پیامبر ﷺ در جنگ‌ها فراوان است؛ از جمله آن که ایشان در جنگ حنین اسیران را بخشید و اموال آنها را بازگرداند و در محاصره قلعه خیبر، مسلمانان را از بستن آب به روی یهودیان نهی کرده و به طور کلی از آنها می‌خواست از سم در مقابل دشمنان استفاده نکنند و نیز دستور دادند که اماناتی که یهودیان نزد مسلمانان گذاشته بودند، بازگردانده شود در حالی که خود و سپاهیان به آنها احتیاج داشتند و هم‌چنین از مسلمانان می‌خواست که دشمنان اسلام را در برابر آزارشان نفرین نکنند و... در واقع این‌گونه رفتارها نیز از سوی ایشان بر طبق مصلحت و در راستای حفظ کیان اسلام صورت می‌گرفت (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۴۶؛ ابن هشام، ۱۴۱۲: ۳، ۳۳۴؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۲، ۲۰۵).

#### جمع‌بندی شیوه رفتار پیامبر ﷺ در مواجهه با مخالفان

به طور کلی در رابطه با ملاک رفتار پیامبر ﷺ در مواجهه با مخالفان می‌توان گفت: آن‌جا که اساس و بنیان دین هدف گرفته شود و اقدامات مخالفان در مقابل اصول تغییرناپذیر دین اسلام و به منظور از بین بردن آن باشد، رفتار پیامبر ﷺ انعطاف‌ناپذیر بود و در غیر این موارد، با مدارا؛ چرا که ماهیت و فلسفه دین همان اصول تغییرناپذیر است و با از بین رفتن آن اصول، دینی نخواهد بود و لغزش و بی‌توجهی در این موارد، هرگز جایی نخواهد داشت. بنابراین در بررسی سیره عملی پیامبر ﷺ و برخورد آن حضرت با مخالفان، باید گفت: با توجه به وظیفه اصلی وی مبنی بر هدایت جامعه به سوی سعادت و کمال و ابلاغ پیام الهی، اصل اساسی حاکم بر رفتار ایشان، رحمت، محبت و شفقت بود؛ یعنی هدف اصلی آن حضرت، جذب مردم به سوی خود و دین مبین اسلام بود. ایشان حتی با کسانی که برخورد منافقانه داشتند و آشکارا مخالفت نمی‌کردند به دلیل نوپا بودن اسلام و برای حفظ کیان و بنیان دین براساس رحمت



واسعه‌شان با آنها نیز مدارا می‌کردند؛ اما وقتی مخالفان، اساس دعوت پیامبر ﷺ و اصول تغییرناپذیر دین را هدف قرار می‌دادند و آشکارا به اقدامات عملی در این راه دست می‌زدند، دیگر مدارا و مسامحه جایی نداشت و پیامبر ﷺ چاره‌ای جز برخورد نداشت و این نوع برخورد همواره در راستای حفظ دین و هدایت مردم صورت می‌گرفت.

### شیوه رفتاری حضرت مهدی ﷺ در مواجهه با مخالفان

در بخش قبل چگونگی شیوه رفتاری پیامبر ﷺ در مواجهه با مخالفان به عنوان آورنده دین اسلام مطرح شد، در این قسمت براساس روایات وارده، شیوه رفتاری حضرت در مواجهه با مخالفان به عنوان آخرین منجی و امید بشر برای ایجاد حکومت عدل، مورد بررسی قرار می‌گیرد تا دانسته شود حضرت در مقایسه با جد بزرگوارشان چه سیره و عملکردی را در مواجهه با مخالفان در راستای برقراری صلح و حاکمیت دین حق و عدالت اتخاذ خواهد کرد. در زمینه قیام حضرت و چگونگی برخورد ایشان با مخالفان روایات متعددی وارد شده که براساس آنها می‌توان به سه دیدگاه رسید:

#### طرح و بررسی دیدگاه‌ها برگرفته از روایات

##### دیدگاه اول: تسلیم بدون خونریزی

##### الف) تبیین دیدگاه

براساس این دیدگاه، امام مهدی ﷺ از طریق ولایت و تصرف تکوینی، همه مردم را مطیع خود می‌کند و کارها را با اعجاز و از راه‌های غیرعادی انجام می‌دهد، بنابراین کشتاری رخ نخواهد داد. به بیان دیگر مطابق برخی از روایات، در زمان حکومت جهانی حضرت مهدی ﷺ مردم به رشد کامل عقلی رسیده و حق و باطل را به درستی تشخیص داده و به راحتی پذیرای «حق» می‌باشند و با «باطل» ستیز می‌کنند:

امام باقر ﷺ فرمود:

هنگامی که قائم ظهور می‌کند دست خود را روی سر مردم می‌گذارد و بدان وسیله عقول آنها جمع و افکارشان کامل می‌گردد (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۱، ۲۵؛ صدوق، ۱۴۰۵: ۶۷۵).

با توجه به این‌گونه روایات، برای اجرای عدالت، جنگ و کشتاری صورت نخواهد گرفت، چون عقل مردم کامل است و چون می‌فهمند که پذیرش ولایت آن حضرت به نفع آنهاست، با آغوش باز به استقبال حق رفته و در برابر حضرت سر تسلیم فرود می‌آورند. از همین رو، در برخی

از کتب شیعه و سنی روایاتی وجود دارد که امام زمان علیه السلام برخی از شهرها را بدون جنگ، تصرف خواهد کرد.

#### ب) نقد و بررسی دیدگاه

در راستای قیام حضرت و مواجهه ایشان با مخالفان، روایات دیگری وجود دارد که عدم خونریزی به طور مطلق را رد می‌کند. در روایت از امام باقر علیه السلام بیان شده است: بشیر می‌گوید: به امام باقر علیه السلام گفتم: «عده‌ای می‌گویند، هنگامی که آن امر روی دهد، همه کارها برای او درست و استوار می‌گردد و به اندازه یک ظرف حجامت هم خون نمی‌ریزد» فرمود: «هرگز چنین نیست! سوگند به آن که جانم در دست اوست؛ کار به آن جایی انجامد که ما و شما عرق و خون بسته شده را پاک خواهیم کرد (کنایه از سختی‌ها و دشواری‌های جنگ است که موجب پدید آمدن عرق و ایجاد زخم‌های خونین می‌شود) (نعمانی، ۱۳۸۷: ۲۸۳).

با توجه به دو دسته روایات، در رابطه با این دیدگاه باید گفت که تمامی کارها در زمان قیام امام مهدی علیه السلام به خودی خود و با اعجاز صورت نمی‌پذیرد، هرچند در ولایت تکوینی حضرت و سایر امامان علیهم السلام هیچ‌گونه تردیدی نیست. بنابراین مطابق روایات متعدد نمی‌توان ادعا کرد که در هنگام ظهور، کشتاری رخ نمی‌دهد، زیرا در آن دوران بحث از اجرای حدود الهی و اقامه عدل جهانی است و مسلماً این امر عظیم، بدون برطرف کردن موانع میسر نمی‌شود. از طرفی، تاریخ گواهی می‌دهد که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و معصومان علیهم السلام سعی داشته‌اند، امور را به طور عادی و در مسیر طبیعی انجام دهند. به هر حال، حتی اگر در مواردی چنین باشد، لزومی ندارد که ادعا شود امام مهدی علیه السلام تمام کارهایش را از طریق اعجاز انجام می‌دهد و خونی ریخته نخواهد شد (عصیری، ۱۳۹۴: ۱۳۴-۱۳۶).

#### دیدگاه دوم: کشتار و قتل عامی فراگیر

##### الف) تبیین دیدگاه

کشتار و قتل عام گسترده مردم توسط حضرت مهدی علیه السلام تا جایی که، قیام آن حضرت، قیام با شمشیر خوانده شده است. این دیدگاه از جمله شبهاتی محسوب می‌شود که امروزه از سوی وهابیون نیز به طور گسترده مطرح شده و امام زمان علیه السلام را چهره‌ای خشن و خونریز ارائه می‌دهد که گویی بویی از رأفت و رحمت اسلامی نبرده و تنها کارش شمشیر به دست گرفتن و

جوی خون راه انداختن است؛ به حدی که از هر هزار نفر، نهصد و نه نفر و یا دو سوم انسان‌های زمین را خواهد کشت.

#### ب) نقد و بررسی دیدگاه

اخباری که در آنها کشتار در حجم وسیعی مطرح شده‌اند، بر دو قسم است:

الف) یک سری از آنها، مربوط به قبل از ظهور است و هیچ ارتباطی به دوران ظهور ندارند. این روایات عموماً ضعیف هستند و اگر هم این‌گونه نباشند، ارتباطی با بحث این مقاله، یعنی کشتارها در دوران حکومت امام مهدی ﷺ ندارند. به عنوان مثال روایاتی که می‌گویند از هر نه نفر، هفت نفر؛ یا از هر هفت نفر، پنج نفر و یا دو ثلث مردم کشته می‌شوند به جنگ‌های پیش از ظهور، اشاره دارند که ارتباطی به کشتار از سوی آن حضرت ندارند.

ب) دسته دیگر مربوط به هنگام ظهور و حکومت امام مهدی ﷺ می‌باشند که خود دو گونه‌اند:

روایاتی که از طریق اهل سنت است و بیشتر آنها، مشکل سندی دارد، و برخی دیگر، به پیامبر اکرم ﷺ منتهی نمی‌شوند؛ بلکه از افرادی مانند «کعب الاحبار» که در زمان آن حضرت مسلمان نشده بود، نقل شده است و یا اگرچه در کتب شیعه و از اهل بیت ﷺ ذکر گردیده، اما با سند غیر امامی (اهل سنت) روایت شده و از جهت دلالت نیز ناتمام و غیرقابل پذیرش است، زیرا مفاد بسیاری از آنها با ضروریات مذهب و شریعت در تعارض است و به هیچ عنوان نمی‌توان آنها را توجیه کرد.

از جمله این روایات، روایت یوسف بن یحیی شافعی در کتاب *عقد الدرر* است که از امیرمؤمنان ﷺ درباره حوادث روم نقل می‌کند و می‌گوید:

پس مسلمانان، سه تکبیر می‌گویند و مانند ریگ و شن‌های روانی که از بلندی‌ها فرو می‌ریزند، داخل (روم) می‌شوند و در آن جا ۵۰۰ هزار جنگجو را می‌کشند و غنائم و اموال را به طور مساوی تقسیم می‌کنند و به هر یک از آنان صد هزار دینار و صد کنیز و یا غلام می‌رسد (مقدسی شافعی، ۱۴۲۸: ۲۶۱).

این روایت مشکل سندی دارد و از نظر محتوا قابل اعتماد نیست، پیداست که جاعلان این‌گونه احادیث در خدمت حکومت‌های ظالم بوده‌اند و به جهت توجیه پاره‌ای از جنگ‌های پس از پیامبر اکرم ﷺ این چنین احادیث مجعولی را وارد کتاب‌های روایی کرده‌اند (آیتی، ۱۳۹۳: ۳۹۵-۴۰۰).

روایات معتبری که از طریق اهل بیت علیهم السلام نقل شده است؛ امام صادق علیه السلام فرمودند: چرا به فرا رسیدن خروج قائم شتاب می‌کنید؟ به خدا قسم لباس او جز جامه درشت و خشن نخواهد بود و غذایش جز خوراک ناگوار و ناخوش نباشد و جز شمشیر برای دشمنان چیزی در کار نبوده و مرگ زیر سایه شمشیر خواهد بود (نعمانی، ۱۳۷۸: ۳۲۶).

به دلیل وجود این دسته از روایات که از اهل بیت علیهم السلام نقل شده و به مبارزه با شمشیر اشاره دارد، دیدگاه سومی نیز مطرح می‌شود که در آن مبارزه و قیام با شمشیر را نه به صورت وسیع و گسترده، بلکه در برابر گروه خاصی از دشمنان مطرح کرده و می‌پذیرد که مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### دیدگاه سوم: دیدگاه میانه و منتخب

#### الف) تبیین دیدگاه

همان‌طور که به اجمال گذشت، روایات متعددی از سوی اهل بیت علیهم السلام در راستای چگونگی قیام حضرت وارد شده: روایاتی که به تسلیم بدون خونریزی در برابر حضرت اشاره دارد و روایاتی که جنگ و جهاد را به حضرت نسبت می‌دهد. علاوه بر اینها، احادیثی وجود دارد که حضرت را هم چون جدش رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم رحمت برای جهانیان معرفی می‌کند و ...

#### ب) تایید و تقویت دیدگاه

از مجموعه روایات مربوطه، به دیدگاه میانه و متعادلی می‌توان رسید که دربرگیرنده همه آنهاست:

#### ۱. رحمت برای جهانیان و داعی بسوی دین حق

حضرت مهدی علیه السلام از نظر اخلاق، سیرت و صورت شبیه‌ترین فرد نسبت به پیامبر است: جابر بن عبدالله انصاری گوید رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود فرزندانم مهدی نامش نام من است و کنیه‌اش کنیه من اشبه ناس است بمن در خلقت و اخلاق (صدوق، ۱۴۰۵: ۲۸۷).

از این رو همان‌گونه که آن حضرت مظهر رحمت خداوند و (رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ) است، حضرت مهدی علیه السلام نیز چنین است. همان‌طور که توسط امام حسن عسکری علیه السلام به این رحمت واسعه بشارت داده شده است:

وَأَكْمَلُ ذَلِكَ بَابِنِي مُحَمَّدٍ رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ (کلینی، ۱۳۶۹: ج ۱، ۵۲۸).

در روایت دیگری نیز به این مهم اشاره شده است:

أَخْرَجَ مِنْهُ الدَّاعِيَ إِلَى سَبِيلِي وَالْحَازِنَ لِعِلْمِي الْحَسَنَ ثُمَّ أَكْمَلُ ذَلِكَ بَابِنِي رَحْمَةً؛

از او فرزندی به وجود آورم به نام «حسن» که مردم را به راه من دعوت می‌کند و خزانه‌دار گنجینه علم من است. سپس دینم را توسط پسر او که مایه رحمت همه جهانیان است، کامل کنم (صدوق، ۱۴۰۵: ۳۰۸؛ نعمانی، ۱۳۸۷: ۶۲؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۱، ۵۲۷؛ بحرانی، ۱۳۷۸: ج ۱، ۴۹).

بنابراین براساس روایات، حضرت مهدی ﷺ به واسطه رحمت و اسعه‌شان قبل از هر اقدامی جهانیان را با نرم‌خویی و دلیل متقن دعوت به حق نموده و اتمام حجت می‌کند و با کسانی که پذیرای حرف حق هستند بیعت می‌کند (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۲۶، ۳۰۵-۳۰۶؛ مؤسسه معارف اسلامی، ۱۴۲۸: ج ۳، ۲۹۵).

اما همان‌طور که در بخش پیامبر ﷺ گذشت رحمت برای عالمیان بودن به معنای سر تسلیم فرو آوردن در برابر معاندین و آنان که پذیرای حق نیستند نمی‌باشد، به ویژه این‌که ایشان ملزم به تشکیل حکومت عدل نیز می‌باشد، بنابراین رحمت و اسعه اقتضا می‌کند که موانع تشکیل حکومت سرشار از صلح و عدل برداشته شود.

## ۲. اقدام به جنگ در برابر معاندان، ظالمان و دنیاطلبان

براساس روایات متعدد، نمی‌توان ادعا کرد که هنگام ظهور، هیچ قتل و کشتاری رخ نمی‌دهد، زیرا در آن دوران، از طرفی بحث از انتقام همه ظلم‌های رفته بر انسانیت در طول تاریخ؛ خصوصاً ظلم‌های وارده بر بهترین انسان‌های روی زمین در کوچه بنی‌هاشم، غصب خلافت، غصب فدک، واقعه کربلا و ظلم وارده بر تک‌تک اهل بیت ﷺ و... است و از طرف دیگر بحث از اجرای حدود الهی و اقامه حکومت عدل جهانی است که مسلماً مخالفان و معاندانی خواهد داشت که بدون برداشتن آنها از سر راه، این امر مهم از سوی حضرت میسر نخواهد شد.

تاریخ نشان داده همواره دنیاطلبان و زورگویان و مستبدین تاریخ، به راحتی از منافع دنیوی و ظلم و جورشان دست نمی‌کشند و هنگامی که بفهمند منافع آنها با ظهور حضرت مهدی ﷺ به خطر می‌افتد با ایشان به ستیز برمی‌خیزند؛ از همین روست که حضرت برای اجرای عدالت و نجات مستضعفان، از قوه قهریه استفاده خواهد کرد و در برابر آنها به نبرد می‌پردازد.

در راستای بیان به کار گرفتن قوه قهریه از سوی امام زمان ﷺ در روایات حتی به سلاح آن حضرت و یا مدت زمانی که شمشیر به دست گرفته و با دشمنان به نبرد می‌پردازد نیز اشاره شده؛ از امام صادق ﷺ در رابطه با سلاح ایشان نقل شده که فرمود:

هُنَّ سَيْوُفٌ مِنْ حَدِيدٍ غَيْرَ هَذَا الْحَدِيدِ، لَوْ ضَرَبَ أَحَدُهُمْ بِسَيْفِهِ جَبَلًا لَقَدَّهُ حَتَّى يَفْصِلَهُ؛  
برای یاران امام زمان علیه السلام شمشیرهایی است از آهن، اما غیر از آهنی که ما می‌شناسیم که  
اگر با آن به کوهی بزنند از نصف دو تا گردد (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۲۷، ۴۴؛ صفار، ۱۴۰۴:  
۴۹۲).

و نیز در رابطه با طول مدت مبارزه با شمشیر و نیز شباهت ایشان با پیامبران پیشین از جمله  
پیامبر خاتم علیه السلام این چنین آمده است:

ابو بصیر گوید: شنیدم امام باقر علیه السلام می‌فرمود: «در صاحب این امر روش‌ها و شیوه‌هایی از  
چهار پیامبر است: سنتی از موسی؛ سنتی از عیسی؛ سنتی از یوسف و سنتی از محمد صلی الله علیه و آله و سلم  
... من عرض کردم: سنت محمد صلی الله علیه و آله و سلم کدام است؟ فرمود: چون قیام کند هم چون پیامبر  
خدا صلی الله علیه و آله و سلم رفتار خواهد کرد، جز این که او آثار رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را روشن می‌سازد (مأموریتش  
دنبالۀ همان مأموریت پیامبر است) و شمشیر برگردن خویش حمایل ساخته و هشت ماه  
به شدت مبارزه می‌کند تا این که خدا راضی شود، پرسیدم: چگونه از رضایت خاطر خداوند  
آگاه می‌گردد؟ فرمود: خداوند به دل او رحمت می‌اندازد» (نعمانی، ۱۳۸۷: ۱۶۷).

بنابراین در مبارزه ایشان با ظالمان معاند که در برابر کلام حق می‌ایستند، شک و تردیدی  
نیست. اما از آن جا که جهاد منهای دعوت به پذیرش دین حق و تمکین در برابر آن مشروع  
نیست، حضرت مهدی علیه السلام نیز پس از ظهور و پیش از دست بردن به شمشیر، مردم جهان را به  
دین حق فرا می‌خواند. در روایتی نقل شده که حضرت مهدی علیه السلام می‌فرماید:  
مردم پایان جهان و فرجام آن نزدیک شده و دنیا جدایی خویش را اعلان کرده است. من  
شما را به سوی خدای یکتا و پیام آورش، محمد، و عمل به کتاب او و نابودی باطل و  
احیای سنت فرا می‌خوانم (شافعی سلمی، ۱۴۲۸: ۱۰۵-۱۰۶).

هم چنین از برخی روایات استفاده می‌شود که بنای حضرت مهدی علیه السلام در جهاد با دشمنان  
این است که خون کسی را به ناحق نریزد و حریم بی‌گناهی شکسته نشود و خانه ای ویران  
نگردد و به طور کلی احکام شریعت رعایت گردد و هیچ حقی از صاحب حقی پایمال نشود. در  
روایتی آمده که آن حضرت از یارانش بیعت می‌گیرد که دزدی و زنا نکنند و مسلمانی را دشنام  
ندهند و نفس محترمی را نکشند و حریم محترمی را هتک و منزلی را ویران نکنند (صافی  
گلپایگانی، ۱۴۱۹: ۴۶۹).

در روایت دیگر آمده که فرمان آن حضرت در جنگ با فتنه‌گران به ظاهر مسلمان این است  
که هر کسی را که فرار کرده و دست از مقاومت کشیده است، نکشید و مجروحان را آسیبی  
نرسانید (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۵۲، ۳۸۷).

بنابراین روشن است که حضرت، حتی در مبارزه با منافقان و معاندان نیز هم چون سیره پیامبر ﷺ عمل کرده و ارزش های اخلاقی و شریعت را رعایت کرده، مرتکب ظلم نشده و حقی را پایمال نخواهد کرد.

بنابراین طبق دیدگاه سوم، قیام حضرت نه آن چنان است که بی درنگ دست به کشتارهای عظیم همگان بزند و نه این گونه که همه انسان ها معجزه وار بدون هیچ خونریزی در برابر حضرت سر تسلیم فرو آورند، بلکه ایشان علاوه بر این که مایه رحمت برای جهانیان است، به منظور ایجاد عدالت و اجرای دین حق در برابر معاندان، منافقان و مستکبران و ظالمان ایستاده و با آنها به مبارزه می پردازد (رامین، ۱۳۹۴: ۲۷-۳۰).

#### جمع بندی دیدگاه ها

براساس آنچه بیان شد، می توان این گونه نتیجه گرفت که حضرت مهدی ﷺ از طرفی مانند جدشان رحمت برای عالمیان هستند و به واسطه همین خلصت و خوی نیکو و کلام نرم و متقن، اکثریت جهانیان را مشتاقانه پذیرای سخن حق خود می کند؛ اما در مقابل با کسانی که عناد ورزیده و مانع برپایی دین حق و عدل شده؛ برای رسیدن به هدف عالی شان خواهد جنگید. بنابراین آنچه در روایات آمده، این افراد دو دسته اند:

**دسته نخست**، ستمگرانی هستند که با تکیه بر ثروت و قدرت خود، حاکمیت کفر و شرک را در دست دارند و جز ظلم و پایمال کردن حقوق انسان ها کار دیگری را در پیش نمی گیرند که براساس روایت این گروه از ستمگران همگی به دست حضرت هلاک خواهند شد (شافعی سلمی، ۱۴۲۸: ۱۴۲).

**دسته دوم**، حاکمان و منافقان و گروه های به ظاهر مسلمان اند که سخت منحرف و مستبد هستند که آیات قرآن را براساس تمایلات و هواهای نفسانی خود تفسیر و تأویل می کنند و تنها خود را مسلمان تلقی می کنند و دیگران را کافر. این افراد مانند خوارج با دست آویز قرار دادن قرآن صامت، با قرآن ناطق (حضرت مهدی ﷺ) احتجاج می کنند.

امام صادق ﷺ با یک نگاه تطبیقی و مقایسه ای بین اوضاع و زمانه پیامبر ﷺ با فضا و فرهنگ حاکم بر عصر ظهور، جنگ نمودن امام زمان ﷺ با مخالفان را بسی دشوارتر از غزوات پیامبر ﷺ می داند و می فرماید:

قائم آل محمد ﷺ در جنگ به امری برمی خورد که رسول الله هرگز برخورد نکرد. دشمنان پیامبر ﷺ بت پرست بودند و سنگ و چوب را پرستش می کردند اما کسانی بر

امام زمان علیه السلام خروج می‌کنند که برای امام قرآن تفسیر می‌کنند و با حضرت می‌جنگند (نعمانی، ۱۳۸۷: ۲۹۷؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۵۲، ۳۶۳).

در حقیقت اکثریت دشمنان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، اعراب بدوی بودند که در عصر جاهلیت زندگی کرده و بدون هیچ‌گونه نفاق در مقابل پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم صف‌آرایی می‌نمودند، اما مخالفان امام زمان علیه السلام در قالب نفاق، کتاب خدا می‌خوانند و با حضرت به مقاتله و مبارزه می‌پردازند که ایشان برخلاف پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم که تا جای امکان با منافقان مدارا می‌کردند، با نفاق‌پیشگان سازش و مدارایی نخواهد داشت.

از روایات استفاده می‌شود که حضرت، حرکت جهادی خود را با جنگ با فتنه‌گران منحرف آغاز می‌کند و ابتدا فتنه را در جهان اسلام خاموش می‌کند و فتنه‌گران را از سر راه برمی‌دارد، آن‌گاه به سراغ حاکمان شرک و کفر می‌رود (صدر، ۱۳۸۴: ۵۵۸-۵۵۹).

آن حضرت در خشکاندن ریشه فتنه و نابودی فتنه‌گران چنان مصمم و قاطع است که بسیاری از همین فتنه‌گران می‌گویند که او از آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم نیست، اگر از آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم بود، حتماً رحم و شفقت می‌ورزید (شافعی سلمی، ۱۴۲۸: ۱۶۰). از این رو، آنچه در روایات درباره قتل و کشتار به دست حضرت مهدی علیه السلام آمده، مربوط به انسان‌های ظالم و معاند، منافق، منحرف و فتنه‌گری است که در برابر حاکمیت دین حق سر فرود نمی‌آورند، اما توده‌های مستضعف خواه کافر یا مسلمان، نه تنها سهمی از شمشیر آن حضرت ندارند؛ بلکه در پرتو لطف و شفقت و عدالت‌گستری و حق‌محوری‌اش، از ظلم و ستم رها و فوج فوج وارد دین خدا می‌شوند و به رستگاری می‌رسند.

### نتیجه‌گیری

به طور کلی همواره رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بسط محبت و صلح و در مقابل، مبارزه با دشمنان معاند و مستکبر بوده است. به عبارت دیگر ایشان رحمت برای عالمیان بود و در راستای حفظ اسلام نوپا در برابر نفاق‌پیشگان نیز راه سازش را در پیش می‌گرفت؛ اما از طرف دیگر به مقتضای همان رحمت و اسعه در راستای حفظ مبانی دین و دفاع از مظلوم در برابر معاندان و مستکبرانی که آشکارا ستم می‌کردند و اساس دین را هدف قرار داده بودند، ایستادگی می‌کرد. حضرت مهدی علیه السلام نیز به عنوان آخرین منجی بشریت همانند جدشان بر ارزش‌های اخلاقی و نرم‌خوبی و رحمت تکیه دارند و اساس کار خود را بر این مبنا قرار می‌دهد؛ اما در راستای



برقراری صلح میان انسان‌ها و حکومت عدل جهانی، به دنبال نفی هرگونه سرسپردگی به ظلم ظالمان است و خود را مؤظف به دفاع از حق مظلوم می‌داند. بنابراین ایشان در کنار این که جنگ و خونریزی مطلق و تجاوز به جان و مال و ناموس هیچ کسی را جایز نمی‌داند، سکوت در برابر ظلم ظالمان و عدم دفاع از حق مظلوم و کنار گذاشتن ارزش‌ها را هم نمی‌پسندد و به معنای واقعی و همه‌جانبه مدافع حق، صلح و عدالت است و طبیعی است که چنین هدف و روشی متناسب با خوی دنباطلی و مستبدانه و اهداف دنیاطلبانه بسیاری از طاغوتیان و منافقان و معاندان نیست و به همین دلیل در برابر حضرت سر تسلیم فرو نمی‌آورند؛ از این رو حضرت به خاطر هدف والای برقراری صلح و حکومت عدل جهانی با آنها فارق از هر دین و مذهبی که داشته باشند به مبارزه برخاسته و آنان را از بین خواهد برد. بنابراین ایشان به عنوان آخرین پیشوا و امید مظلومان جهان برای ایجاد آخرین حکومت حق جهانی، برخلاف جدشان، حتی با منافقان نیز هیچ راه سازشی را در پیش نخواهد گرفت. نکته حائض اهمیت این که ملاک و مبنای مبارزه حضرت، مبارزه با پیروان دین یا مذهب خاص نیست، بلکه مبارزه با هرگونه ظلم و استبداد، نفاق و عناد در راستای برقراری عدالت و صلح و حاکمیت دین حق در جهان است.

## منابع

## قرآن کریم

۱. آیتی، نصرت‌الله (۱۳۹۳)، *دلیل روش؛ پاسخ به شبهات قفاری درباره اندیشه مهدویت*، قم، مؤسسه آینده روشن.
۲. ابن هشام، عبدالملک (۱۴۱۲ق)، *سیره النبی*، بیروت، دارالمعرفه.
۳. ابوزهره، محمد (۱۳۷۵)، *خاتم پیامبران*، مترجم: حسین صابری، مشهد، بنیادهای پژوهش‌های اسلامی.
۴. بحرانی، هاشم (۱۳۷۸)، *الإنصاف فی التصحیح علی الأئمة الاثنی عشر علیهم السلام*، مترجم: هاشم رسولی محلاتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۵. حر عاملی، محمدبن حسن (۱۴۰۹ق)، *وسائل الشیعه*، قم، مؤسسه آل‌البتین علیهم السلام.
۶. حلی، ورام بن ابی فراس (۱۳۶۹)، *تنبيه الخواطر ونزهه التواظر (مجموعه ورام)*، مترجم: محمدرضا عطایی، مشهد، آستان قدس رضوی.
۷. خدوری، مجید (۱۳۸۹)، *جنگ و صلح در اسلام*، ترجمه: غلامرضا سعیدی، تهران، انتشارات اطلاعات.
۸. رامین، فرح (۱۳۹۴)، *آخرین انقلاب؛ انقلابی آخر*، قم، مؤسسه آینده روشن.
۹. سلیمیان، خدامراد (۱۳۸۹)، *درستنامه مهدویت*، قم، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود؛ مرکز تخصصی مهدویت.
۱۰. سیدبن طاووس، علی بن موسی (۱۴۱۴ق)، *اقبال الاعمال*، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
۱۱. شافعی سلمی، یوسف بن یحیی (۱۴۲۸)، *عقد الدرر فی اخبار المنتظر*، قم، مسجد مقدس جمکران.
۱۲. صافی گلپایگانی، لطف‌الله (۱۴۱۹)، *منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر*، قم، مؤسسه السیده معصومه علیها السلام.
۱۳. صدر، محمد (۱۳۸۴)، *تاریخ مابعد الظهور*، مترجم: حسن سجادی پور، تهران، موعود عصر علیهم السلام.
۱۴. صدوق، ابو جعفر محمدبن علی بن الحسین (۱۴۰۵)، *کمال‌الدین و تمام‌النعمه*، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم، مؤسسه لجماعة المدرسین.

۱۵. صفار، محمد بن حسن (۱۴۰۴)، *بصارالدرجات فی فضائل آل محمد ﷺ*، قم، کتابخانه آیت-الله مرعشی نجفی.
۱۶. طباطبائی، سید محمد حسین (۱۳۷۴)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ترجمه: سید محمد باقر موسوی همدانی، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۱۷. عصیری، مجتبی (۱۳۹۴)، *شبهات مهدویت*، قم، بوستان کتاب.
۱۸. قاضی عیاض، عیاض بن موسی (۱۴۰۷)، *الشفاه بتعریف حقوق المصطفی*، عمان، دارالفيحاء.
۱۹. قرائتی، محسن (۱۳۸۳)، *تفسیر نور*، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۲۰. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۹)، *اصول کافی*، قم، دارالحدیث.
۲۱. متقی هندی، علاء‌الدین علی بن حسام (۱۴۱۹)، *کنز العمال*، بیروت، دارالکتاب العلمیه.
۲۲. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۴ق)، *بحار الانوار*، بیروت، مؤسسه الوفاء.
۲۳. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۷۴)، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۲۴. مؤسسه معارف اسلامی (۱۴۲۸)، *معجم الاحادیث الامام مهدی ﷺ*، قم، مسجد مقدس جمکران.
۲۵. نعمانی، محمد بن ابراهیم (۱۳۸۷)، *الغیبه*، تهران، دارالکتاب الاسلامیه.
۲۶. نوعی، غلامرضا (۱۳۷۹)، *مدارا با مخالفان در قرآن و سنت*، رشت، کتاب مبین.